

تنبیه دوم: حجیت قطع حاصل از مقدمات عقلیه

اختیاری ها

- اذا قطع حاصل از مقدمات عقلی فطری نظری حجیت نیست
- دلیل: به خاطر کثرت وقوع اشتباه در مقدمات عقلی

شیخ

- اگر منظوران عدم اعتماد به این قطع، پس از حصول قطع است
- نمی‌توان چنین معنی انجام داد، چون حجیت فطری ذاتی است و هیچ خصوصی از ناحیه سبب، منشا، زمان و نوع مقطوع به و شخصی قاطع، در قطع موثر نیست. لذا هر قطع فطری که برای شخصی حاصل شد نزد شارع مورد مقبول است و منع از آن، تناقضی در نظر قاطع است
- اگر بتوان چنین معنی انجام داد، در قطع حاصل از مقدمات شرعی هم باید از قطع منع کرد
- اولا کثرت اشتباه در مقدمات عقلی را قبول نداریم
- ثانیا ولو بر فرض بپذیریم، در شرعیات هم اشتباه وجود دارد
- ثالثا اگر شخصی با خوض عقلی به مطلب خلاف واقع رسیده، به دلیل تقصیر در مقدمات، هیچ عقلی ندارد

نظر مصنف

- در تقابل بین قطع و ظن، ظن از حجیت ساقط است
- به هیچ عنوان دلیل نقلی با دلیل فطری عقلی تعارض نمی‌کند
- در صورت وجود تعارض بین دلیل فطری عقلی و ظاهر دلیل نقلی باید دلیل نقلی را تأویل و یا طرح کرد
- در صورت وجود قطع از راه دلیل نقلی، قطع به واسطه دلیل عقلی مخالف با آن از حجیت ساقط است ولو به صورت پرهان عقلی باشد چون شبهه در مقابل بدیهی است، اما این مطلب در عقل بدیهی و عقل فطری اتفاق نمی‌افتد

اشکال: روایاتی داریم که دال بر این است که تنها امتثال احکامی از ما خواسته شده است که به واسطه معصومین علیهم السلام به ما رسیده باشد

شیخ

- قولهم علیهم السلام «حرام علیکم أن تقولوا بشیء ما لم نسمعوه منّا» و قولهم علیهم السلام «لو أن رجلا قام لیله، و صام نهاره، و حج دهره، و تصدق بجمیع ماله، و لم یعرف ولاية و حق الله فیکون أعماله بدلائله قبولیه، ما کان له علی الله ثواب.» و قولهم علیهم السلام «من دان الله بغير سماع من صادق فهو کذا و کذا...» ای غیر ذاک
- اولا عقل بعد از اینکه ببیند فطری مرضی خداست، مستقلا به آن حکم میکند و دخلی در توسیع معصوم نمی‌بیند
- ثانیا: مراد از این اخبار، نهی از استبداد و خود رأیی در احکام شرعی است، میباشند مخصوصا که حکم عقلی فطری منافی با حکم شرعی خوبی نادر است که مناسب با این همه روایات نیست
- ثالثا: تمسک به ظاهر این روایات، نفی هر نوع دلیل عقلی، حتی دلیل عقلی فطری و بدیهی است که مورد پذیرش اخباریون هم نمیباشند
- رابعا: عقل بالاستقلال یا با دیدن روایات «همعشر الناس» ما من شیء یقرنکم الی الجنة و یباعدکم عن النار الا امرتکم به، و ما من شیء یقرنکم الی النار و یباعدکم عن الجنة الا و قد نهیتکم عنه» حکم می‌کند که توسیع معصوم وجود دارد
- اصناف این است که تکیه به عقل در مناطحات احکام جایز نیست که روایات «ان دین الله لایضاب بالعقول» موبد آن است

تذکر: روایاتی که نهی از ترک خوض در مباحث عقلی در اصول دین می‌کند به دلیل عدم حجیت عقل نیست بلکه به عنوان دیگر مثل ضعف در مناظره است

اگر بگوییم خود سماع و توسیع موضوعیت دارد

اولا این مطلب مخالف ظاهر روایات است

ثانیا این اخبار دلیل ظنی هستند و نمیتوانند با دلیل عقلی فطری مقابله کنند

تنبیه دوم: حجیت قطع حاصل از مقدمات عقلیه

اختیاری ها

- اذا قطع حاصل از مقدمات عقلی فطری نظری حجیت نیست
- دلیل: به خاطر کثرت وقوع اشتباه در مقدمات عقلی

شیخ

- اگر منظوران عدم اعتماد به این قطع، پس از حصول قطع است
- اگر بتوان چنین معنی انجام داد، چون حجیت فطری ذاتی است و هیچ خصوصیاتی از ناحیه سبب، منشا، زمان و نوع مقطوع به و شخصی قاطع، در قطع موثر نیست، لذا هر قطع فطری که برای شخصی حاصل شد نزد شارع مورد مقبول است و منع از آن، تناقضی در نظر قاطع است
- اگر بتوان چنین معنی انجام داد، در قطع حاصل از مقدمات شرعی هم باید از قطع منع کرد
- اولا کثرت اشتباه در مقدمات عقلی را قبول نداریم
- ثابته و لو بر فرض پذیریم، در شرعیات هم اشتباه وجود دارد
- ثالثا: اگر شخصی با خوض عقلی به مطلب خلاف واقع رسیده، به دلیل تقصیر در مقدمات، هیچ عقلی ندارد

نظر مصنف

- در تقابل بین قطع و ظن، ظن از حجیت ساقط است
- به هیچ عنوان دلیل نقلی با دلیل فطری عقلی تعارض نمیکنند
- در صورت وجود تعارض بین دلیل فطری عقلی و ظاهر دلیل نقلی باید دلیل نقلی را تأویل و یا طرح کرد
- در صورت وجود قطع از راه دلیل نقلی، قطع به واسطه دلیل عقلی مخالف با آن از حجیت ساقط است ولو به صورت پرهان عقلی باشد چون شبهه در مقابل بدیهی است، اما این مطلب در عقل بدیهی و عقل فطری اتفاق نمی افتد

اشکال: روایاتی داریم که دال بر این است که تنها امتثال احکامی از ما خواسته شده است که به واسطه معصومین علیهم السلام به ما رسیده باشد

شیخ

- قولهم علیهم السلام «حرام علیکم أن تقولوا بشیء ما لم نسمعوه منّا» و قولهم علیهم السلام: «لو أن رجلا قام لیله، و صام نهاره، و حج دهره، و تصدق بجمیع ماله، و لم یعرف ولاية و حق الله فیکون أعماله بدلائله قبولیه، ما کان له علی الله ثواب.» و قولهم علیهم السلام: «من دان الله بغير سماع من صادق فهو کذا و کذا...» الی غیر ذلک
- اولا عقل بعد از اینکه ببیند فطری مرضی خداست، مستقلا به آن حکم میکند و دخلی در توسیع معصوم نمی بیند
- ثابته: مراد از این اخبار، نهی از استبداد و خود رأیی در احکام شرعی است، میباشند، مخصوصا که حکم عقلی فطری منافی با حکم شرعی خوبی ندارد است که مناسب با این همه روایات نیست
- ثالثا: تمسک به ظاهر این روایات، نفی هر نوع دلیل عقلی، حتی دلیل عقلی فطری و بدیهی است که مورد پذیرش اخباریون هم نمیباشد.
- رابعا: عقل بالاستقلال یا با دیدن روایات «همعشر الناس» ما من شیء یقرئکم الی الجنة و یباعدکم عن النار الا امرتکم به، و ما من شیء یقرئکم الی النار و یباعدکم عن الجنة الا و قد نهیتکم عنه». حکم می کند که توسیع معصوم وجود دارد
- اصناف این است که تکیه به عقل در مناطحات احکام جایز نیست که روایات «ان دین الله لایضاب بالعقول» موبد آن است

اگر بگوییم خود سماع و توسیع موضوعیت دارد

- اولا این مطلب مخالف ظاهر روایات است
- ثابته این اخبار دلیل ظنی هستند و نمیتوانند با دلیل عقلی فطری مقابله کنند

تذکر: روایاتی که نهی از ترک خوض در مباحث عقلی در اصول دین می کند به دلیل عدم حجیت عقل نیست بلکه به عنوان دیگر مثل ضعف در مناظره است